

دوساعت گفت و گو...

ش . بختیار : البته من خیلی سر درگم ، ولی يك چیز بوابم تلمی است كه نقشه و نیروهائی كه در خاور میانه، یعنی از لبنان تا ایران و افغانستان، بعد از این جریان، هرطوری تمام شود، به صورت اول بر نمی گردند .

راه آزادی : آیا شما مرافق اقدام عراق هستید ؟

ش . بختیار : ته موافق نیستم . من می گویم هیچ روشن نمی بینم اگر موافق بودم می گفتم . ولی موضع بنده فقط فقط اینست كه هرکس برود خانه خودش و در کار دیگران فصولی نکند .

راه آزادی : یعنی شما طرفدار استقلال کویت هستید .

ش . بختیار : من موافق استقلال کویت هستم . ولی این را هم گفته ام كه کویت مثل همه شیخ نشینها، اینها مملکت نیستند . اینها خط جنرال اسمیت است و امضاء كلیمانسو ، ولی اگر بنا باشد هر كه زورش رسید مملکت دیگر را ، هر كه می خواهد باشد ، اشغال كند، این نمی شود . من در این جریانها با سیاست گورباچف و میتران موافقم ، اگر بنا باشد اینطور عمل شود ، فكر كنید این شتر روزی جلو خانه ما هم خواهد خرابید .

مسئله خود مختاری در ایران

راه آزادی : برگردیم به يكه موضوع داخلی . با توجه به تنوع قومی در ایران ، نظر شما درباره خواست خود مختاری در چهارچوب ایران واحد چیست ؟

ش . بختیار : من معتقدم اگر شده حتی فقط برای اینکه در ایران به این برخوردی و رکود کارها و اینکه همه تصمیمات در مرکز گرفته شود، پایان داد، بهترین راه اینست كه حد اكثر اختیارات به استانها و یا شهرستانها و یا اقوام ، اقوام از نظر زبان و فرهنگ ، بدون آنكه فلو هم بكنند، تفویض شود . بگوئید من كرد ایرانی هستم . حالا البته خورشان هم می گویند هر جا ایرانیه كردستانه ، و هر جا كردستانه ایرانیه ، تمام این را بگویند و حد اكثر خود مختاری را بگیرند تا جاش كه وحدت ایران به خطر نیفتد . از آن دیگر نمی شود گذشت .

راه آزادی : بنا بر این شما با خواست خود مختاری به شرطی كه در چهارچوب ایران باشد موافقت می كنید ؟

ش . بختیار : اگر در چهارچوب ایران باشد موافقم . هم از این نظر كه اداره مملکت بهتر می شود و هم از نظر اینکه دلیلی نیست كه بنده کسی را بگیرم، توبیت كتم از زاهدان بفرستم به سنندج . و یا شهردار سنندج را تهران انتخاب بكنند و بفرستند آنجا . خوب مردم همانجا خورشان انتخاب می كنند .

راه آزادی : چرا در طول ده سال گذشته بطور كلي كمتر نیروی ملی و دمكرات حاضر شدند با تهفست همکاری كنند و یا اصلا همکاری نكردند ؟ ارزیابی خود شما چیست ؟

ش . بختیار : ده سال پیش كه من آمدم اینجا ، يك هفته پس از رسیدن ، كنفرانس مطبوعاتی تشكيل دادم با حضور ۹۰ خبرنگار . برایشان توضیح دادم كه من مبارزه را ادامه می دهم . در آن وقت ایرانی ها خیلی كم بودند و اكثرشان هم شاهمی بودند . يك عده ای هم تازه از بهشت موعود خمینی خسته شده بودند و شروع کرده بودند به بیرون آمدن . عده ای هم كه رنگ موهایشان را عوض کرده بودند و عینكهای بومی می زدند و قایم می شدند . شاه الهی هایدك جیبه كاملا در مقابل من بسته بودند تا آنجا كه می دادم مثلا حزب توده نكرد . البته رجوی حالت خامس

كه لازم دیدیم بگیرم بدون اینکه این پول تعهد یا شرطی داشته باشد . حالا اگر به نوكل چرچیل پول می داد، مگر نوكل خودش را فورخت به چرچیل . این مسئله به این صورت برای ایرانیها مطرح می شود، یعنی ایمان ندارند كه يك آدم با ایمانی پیدا شود . البته قبول باید بكنیم كه يك اشخاص هستند كه به هر دری می زنند كه بتوانند مهارزاتشان را پیش ببرند . موضع من بعد از جریان «ایران گیت» ، باعث شد كه این یهودیها كه در امریکا حكومت می كنند، به دولت امریکا بگویند به شیوخ خلیج فارس فشار بیاورند كه به ما كمك نكنند . باقی را خودتان حساب كنید .

راه آزادی : چقدر از مواضع شما در رابطه با عراق تحت تاثیر این كمك است ؟ مثلا ایهامائی در باره اوایل جنگ و سفر شما به بغداد ، یا مساحبه شما با فیگارو در مورد اشغال کویت و ...

ش . بختیار : شما در فیگارو خواندید فردایش گفته بود كه من تنها لغتی كه استعمال نكرده بودم، لغت عراق بود . خبرنگار چیزی را نوشته بود و فردایش هم فوری تصحیح كردند . اما در مورد عراق خیلی رك به شما بگویم . من بارها در اعلامیه ها گفته ام كه قرارداد ۱۹۷۵ اجزای را باید بپذیریم . اگر من يك سمپاتی به آقای مدام دارم، این لاتنسیته است . این سابقه خیلی خیلی قبل از جنگ دارد و بعد كه نخست وزیر شدم تیريك او ویا حافظ اسد و غیره برام آمد . دفعه اول هم بود كه به يك نخست وزیر زمان شاه ، اینها تیريك بگویند . چون من گفته بودم كه از پیمان سنتر بیرون خواهیم رفت، ژاندارم خلیج فارس نخواهیم بود و به اسرائیل و افریقای جنوبی نفت نخواهیم فروخت . بعد هم كه جنگ خواست شروع بشود من خودم را كشم ، به هر وسیله ای كه اینجا داشتیم به عراقی ها بگویم این كار را نكنید . گفتم اشتباه نكنید . البته به شما بگویم درسته كه عراقی ها به ایران حمله كردند و نتیجه اش را هم دیدند ، ولی در حقیقت خمینی ورژیمش هم كم خیانت نكردند ؛ كمك مالی به شیعیان عراق، راه نفوس از كوبلا و مزخرفات دیگر . عمل مدام حسین سد در صد بیجا و غلط بود . ولی رژیم خمینی تحریكات زیادی علیه عراق انجام داد .

راه آزادی : شما بعد از جنگ بلافاصله به بغداد سفر كردید ؟

ش . بختیار : من بعد از شروع جنگ، هیچ وقت به بغداد نرفتم ، این را هر كس گفته، دروغ گفته است . من ۴ یا ۵ بار به بغداد رفتم . ولی بعد از يكسال و نیم ، یکی آمد با من مسئله ای را در میان بگذارد . عربستان هم همین موضوع را مطرح می كردند . اوها هم دلشون از بست خمینی خون بود ، از بست شاه هم همین طور / من مملکت عربی كه طرفدار رژیم سلطنتی در ایران باشد ندیدم / به هر حال این آقا آمد پیش من و گفت ما تصمیم داریم يك سال و نیم بعد از جنگ ، تشونمان را يك جانبه بیاوریم از ایران بیرون . گفتم خوب كاری می كنید . تشویق تان می كنم . اونوقت گوش نكردید ولی حالا بیائید و يك برگه بزنید جلو خمینی . گفتم كه ایرانی ها از مملکت خورشان دفاع می كنند ، هر رژیمی كه باشد دفاع می كند، خمینی یا بد تر . مثال استالینگراد را برایشان زدم . گفتم ایرانی ها نجف برو نیستند ، ولی این آخوند خائن این كار را قبول نكرد . وگرنه مسئله جنگ هم از موقع تمام شده بود و اینهمه كشتار مردم بیگناه و خرابی نبود . وقتی سازمان ملل قطعنامه صادر كرد، گفتم صلاح است كه فوری قبول كنیم . صلاح بر این بود كه هنوز ۴ ماه دست ما بود . مهران را از بست ما نكرفته بودند ، بالای قصر شیرین تنها جاش بود كه دست آنها بود . عراقی ها در مدت يك سال نیروی هوائی شان را تقویت كردند و وقتی ما رادار موضع ضعف دیدند ، علیرغم پذیرش قطعنامه توسط ایران شروع كردند به گریه و فغانی .

اشغال نظامی کویت بوسیله عراق

راه آزادی : نظر شما در باره اشغال کویت توسط عراق چیست ؟